

UDC: 297. 18.
LBC: 86.38

محمد سلطانیه *
(ایران)

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

تحلیل انتقادی شبّهه جرج سیل بر تکرار در قرآن

ارجاع به مقاله: سلطانیه، محمد. [2021]. تحلیل انتقادی شبّهه جرج سیل بر تکرار در قرآن. مجله «متافیزیکا». شماره چهارم (16)، صفحه. 140-131

چکیده

اعجاز بیانی قرآن یکی از وجوهی است که به عنوان وجہی مهم از اعجاز قرآن پذیرفته و در دوران اخیر نیز شرق‌شناسان مطالعات گسترده‌ای در این عرصه داشته‌اند. برخی با رعایت انصاف زبان به ستایش آن گشوده و برخی دیگر با طرح سوالاتی، قصد خدمدار نمودن آن را داشته تا وحیانی بودن این کتاب را زیر سؤال ببرند. در این پژوهش با محور قرار دادن اشکالات جرج سیل به شبّهه تکرار در قرآن، به بررسی و نقد شبّههای وی پرداخته شده است. این پژوهش که با هدف فهم پاسخ دقیق به شبّههات جرج سیل (*George Sale*) در خصوص تکرار در قرآن به عنوان شبّههات به اعجاز بیانی قرآن تنوین شده است، به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش فیش‌برداری کتابخانه‌ای بوده است. بدین منظور ابتدا شبّههات گردآوری و نظرات جرج سیل پیرامون آن ذکر شده است و در یک جمع‌بندی به بیان جواب آن پرداخته شده است. به نظر می‌رسد آشنا نبودن اشکال کنندگان با ساختار قرآن که یک ساختار گفتاری (خطابی) است و نه نوشتاری (کتابی)، منشأ طرح بسیاری از این شبّههات گردیده است. حال آنکه بسیاری از این اشکالات، به علت ساختار گفتاری قرآن و نزول تدریجی آن طی بیست و سه سال و به اقتضای رعایت حال مخاطب بوده و نمایانگر اوج بلاغت و فصاحت قرآن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: استشراف، اعجاز، بلاغت، شبّهه، جرج سیل

* استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد- ایران
e-mail: m.soltanieh@razavi.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0001-7791-2620>

Article history:
Received: 04.09.2021
Accepted: 01.12.2021

مقدمه

قرآن به زبان عربی و در اوچ فصاحت و بلاغت نازل گردیده و به صراحت اعلام می‌دارد که چنانچه در وحیانی بودن این کتاب هدایت تردید دارید، هر آنچه در توان دارید به پاری بطلبید و سخن و کتابی مانند آن بیاورید آنگاه این تحدي را به ده سوره و سپس به یک سوره کاهش می‌دهد، در مقابل سکوت بشر بهویژه اعراب زمان نزول، دلالت بر اعتراف آن‌ها بر ناتوانی‌شان و خارق‌العاده بودن و اعجاز قرآن دارد. در عصر حاضر، مسئله وحیانی بودن قرآن و اعجاز ادبی آن یکی از اصلی‌ترین موضوعات مطالعاتی مستشرقان را تشکیل می‌دهد. آنان که در مسیر مطالعات اسلامی و قرآنی چنان پیش رفته‌اند که در برخی عرصه‌ها از مسلمانان نیز پیشی گرفته و گویی سبقت را ربوده‌اند، در برخورد با این مسئله به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ برخی از آنان در مواجهه با بلاغت قرآن سر تعظیم فروید آورده و زبان به مدح و ستایش آن گشوده‌اند. جرج سیل (George Sale) در جلد سوم کتاب مقاله‌ای اسلام که تحت عنوان «سرار عن القرآن» توسط هاشم العربی به عربی ترجمه و تحلیل شده است، شباهتی را بر قرآن وارد می‌کند که برخی از آن شباهت‌ها، اشکالات ادبی بر قرآن است. در این مقاله سعی بر آن بوده که قسمتی از شباهتی را که در آن اشکالی بلاغی بر آیه‌ای از قرآن وارد شده، بررسی گردد؛ لذا برخلاف آثار دیگر که شباهت در حیطه‌های دیگر چون مصادر قرآن و تناقضات و مواردی نظری آن را نیز بررسی کرده‌اند، در این تحقیق سعی شده اختصاصاً به این بحث پرداخته شود تا مجال برای بررسی عمیق‌تر مسئله فراهم باشد.

تعريف

۱. استشراق

«استشراق» در لغت یعنی شرق‌شناسی و خاورشناسی، شرقی شدن، راه و روش شرقیان را برگزیدن (بندر ریگی، ۱۳۷۴: ۸۴۲) و درباره مشرق زمین مطالعه کردن. (آذر نوش، ۱۳۸۵: ۳۲۹).

وجود جلوه‌های گوناگون شرق‌شناسی در دوره‌های مختلف تاریخی و مناطق متعدد موجب شده که تعریف‌های فراوان و متفاوت از سوی دانشمندان ارائه شده باشد. به گونه‌ای که برخی، تدوین یک تعریف دقیق و جامع و مانع را برای استشراق محل دانسته‌اند. (ساسی سالم، ۱۳۸۵: ۴۴). از این‌رو برای ارائه تعریف اصطلاحی استشراق لازم است ابتدا به بررسی محدوده جغرافیایی استشراق، محدوده فکری و معرفتی آن پرداخته شود.

تعريف جامع و عام:

«استشراق یعنی مجموعه تلاش‌های علمی غربیان برای شناسایی و شناساندن کشورها و شرایط جغرافیایی، منابع، معادن، تاریخ، قومیت‌ها، زبان، ادبیات، هنر، سنت‌ها، عادات، فرهنگ، باورها، ادیان، تمدن‌ها و بیزگی‌های روان‌شناختی، حساسیت‌های روحی، ابعاد خطرناک و نقاط آسیب‌پذیر مردم کشورهای مشرق زمین از خاور دور تا خاور نزدیک و شرق دریای مدیترانه و حتی سرزمین‌های دیگر اسلامی در آفریقای شمالی و دیگر نقاط جهان باهدف کشف ثروت‌های مادی و معنوی آنان برای تأمین منافع غربیان». (زمانی، ۱۳۸۵: ۵۱).

تعريف خاص: «اسلام‌شناسی توسط غیر‌مسلمانان» که استشراق در این پژوهش به این معناست.

۱. اعجاز

اعجاز از ریشه «عجز» به معنای قسمت پشت انسان است و مؤخر غیر انسان نیز به آن تشبیه شده است. **تَزَعَ النَّاسُ كَلَّهُمْ إِعْجَازٌ نَخْلٌ مُنْقَرٌ**؛ (مردم را مانند تنهای درخت ریشمکن شده

از جا می‌کند) و اصل عجز تأخیر از شیء و حصول در آخر آن است، و در سخن معمولی اعجز عاجز کردن و کوتاهی کردن از انجام کار است که نقطه مقابل قدرت و توانایی است. (راغب اصفهانی، 1412: 1/ 547) «یائی الانسان بشی یعجز خصمہ و یقصـر دونه»؛ إعجاز يعني انسان کاری را انجام دهد که دشمنش از انجام آن عاجز و غیر او از آن کار دستشان کوتاه باشد.(طريحي، 1367: 24/4) به عبارتی «معجزه بر هر امر خارق العاده‌ای اطلاق می‌شود که همراه با تحدي و مبارزه‌طلبی بوده و کسی همانند آن را نتواند بیاورد. که خداوند آن را به دست پیامبر ارش ظاهر کرده تا دلیلی بر درستی ادعایشان باشد». (معرفت، 1387: 23) همچنین «معجزه کاری است(اعم از کار خارجی یا اخبار) که برخلاف مجري طبیعت و با اتکا به قدرت الهی انجام می‌گیرد و دو نشانه دارد: 1-از راه تعلیم و تعلم حاصل نشده است. 2- مغلوب عامل دیگری واقع نمی‌شود». (صبحاً يزدي، 1389: 61)

نقد و بررسی شباهات بلاغی (شباهات ساختاری)

یکی از مواردی که مستشرقان برای اثبات ادعای خویش مبني بر «معجزه نبودن قرآن و ساخته ذهن بودن آن» به آن اشکال وارد کرده‌اند، بلاغت قرآن است. در این بخش شباهاتی که به ساختار قرآن مربوط می‌شود، بررسی گردیده است. منظور از ساختار در محل بحث، فوائين و مقرراتی است که صاحب نظران برای یک نوشته خوب، به عنوان ملاک و معیار معرفی نموده‌اند؛ تقسیم‌بندی متن در چارچوبی منطقی و به اجزایی چون بخش، فصل و...، انسجام و یکپارچگی متن، تسلیس منطقی مطالب و... از این قبیل است.

1. تکرار در قرآن

برخی از مستشکلان وجود تکرارهای زیاد در قرآن را دلیلی بر عدم فصاحت و بلاغت قرآن دانسته و با ذکر مثال‌های متعدد، بر قرآن خرد گرفته‌اند.

1.1. بیان شبجه

«اهل علم بیان کرده‌اند که تکرار یک لفظ در یک جمله بدون این‌که ضرورتی در کار باشد، از مواردی است که در فصاحت کلام خلل وارد می‌کند. قرآن سرشار از تکرار است. بهطور مثال لفظ «اذ» پنج مرتبه در آیه 110 سوره مائدہ آمده است: * اذ عَلِمْتُكُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التُّورَاةَ وَ الْأَنْجِيلَ وَ اذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينَ كَهِيَةَ الطَّيْرِ يَإِذْنِي فَتَنَفَّخُ فِيهَا فَتَكُونُ طِيرًا يَإِذْنِي وَ ثُبُرًا الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ يَإِذْنِي وَ اذْ تُخْرُجُ الْمَوْتَى يَإِذْنِي وَ اذْ كَفَّتْ يَتِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ اذْ جِئْتُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ* و این تکرار با آوردن لفظ «اذنی» که ابتدای این واژه «اذ» بوده و چهار مرتبه در آیه آمده - افزون می‌شود و مانند آن است که «اذ» نه مرتبه در یک جمله تکرار شده باشد. همچنین در آیه 40 سوره براءت آمده است: * اَلَا تَتَصْرُّوْهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ اذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثانی اشیین اذ هما فی الغار اذ یقُولُ لصَاحِبِهِ لَا تَخِرْزْنِ اَنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ * در آیه 93 سوره مائدہ نیز آمده است: * لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَ آمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَ آهَسَنُوا وَ اللَّهُ يِحِبُ الْمُحْسِنِينَ * پس عبارت «و عملوا الصالحات» دو مرتبه و «اتقوا» سه مرتبه بدون هیچ ضرورتی تکرار شده است. در آیه 7 سوره روم نیز آمده است: * يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مَنِ الْخَيْرَ وَ هُمْ عَنِ الْأَخْرَةِ هُمْ غَافِلُونَ * که هیچ ضرورتی در تکرار لفظ «هم» وجود ندارد. در آیه 77 سوره کهف نیز آمده: * فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعُهَا أَهْلُهَا فَأَبْوَا أَنْ يَضْيَغُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جَارًا يَرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَاقْمَأَهُ قَالَ لَوْ

شِنْتَ لَتَحْدُثَ عَلَيْهِ أَجْرًا* و درست این بود که استطعماهم آورده شود.(حرج، سیل، بیتا:

(80)

2. جواب شبیه

برای پاسخ به شبیه، تعریف تکرار و بیان فواید آن لازم است.

تکرار را کتب ادبی یکی از موارد اطناب برشمدهاند و آن را ذکر دوباره یا چند باره چیزی می‌دانند که برای اهداف و فایده‌هایی باشد.(احمد هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۸۴) ابن حجه حموی در کتاب خویش در تعریف تکرار می‌نویسد: «إِنَّ التَّكْرَارَ هُوَ أَنْ يَكُرَّ الْمُتَكَلَّمُ الْفَوْظُ الْوَاحِدَةُ بِالْفَوْظِ وَالْمَعْنَى»(ابن حجه، بیتا: 449/2) البته تکرار به لحاظ آنچه تکرار می‌شود دارای انواعی است مانند تکرار لفظ یا معنا و تکرار حرف، واژه و جمله و مواردی دیگر که به دلیل طولانی شدن مطلب از ذکر آن خودداری می‌کنیم.

علمای بلاغت تکرار را به شرطی مخل فصاحت و بلاغت نمی‌دانند که دارای فایده‌ای باشد و برای آن فوایدی را برشمدهاند. بهطور مثال ابن حجه حموی در ادامه تعریفش از تکرار می‌نویسد: «وَالْمَرَادُ بِذَلِكَ تَأكِيدُ الْوَصْفِ أَوِ الْمَدْحُ أَوِ الدُّمُّ أَوِ التَّهْوِيلُ أَوِ الْوَعِيدُ أَوِ الإِنْكَارُ أَوِ التَّوْبِيهُ أَوِ الْإِسْتِبْعَادُ أَوِ الْغَرْضُ مِنِ الْأَغْرَاضِ». (همان: 2/449)

به نظر می‌رسد عدم شناخت صحیح و کامل ایراد تراشان به قرآن، از زبان عربی و ساختار قرآن باعث به وجود آمدن این شبیه گردیده است. چرا که پدیده تکرار درصورتی که هدفمند و بالنگیزه بلاغی باشد نزد عرب نه تنها اخالی در فصاحت و بلاغت کلام ایجاد نمی‌کند، بلکه یکی از محسن کلام محسوب می‌گردد. این مسئله در شعر جاهلی نیز رواج داشته است؛ عرب برای نشان دادن عمق احساسات و میل و اشتیاق قلبی خود، بیشتر از تکرار الفاظ استفاده می‌نموده است. بنابراین همان‌گونه که ابن قتیبه می‌نویسد:

«إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِلِسَانِ الْقَوْمِ وَ عَلَيْهِ مَا ذَهَبُوهُمْ تَكْرَارٌ، ارَادَةُ التَّأكِيدِ وَ الْأَفْهَامِ

كما أَنَّ مِنْ مَا ذَهَبُوهُمُ الْاِخْتَصَارِ...» (ابن قتیبه، بیتا: 235؛)

قرآن به زبان عرب نازل شده و به شیوه‌ی کلام آنان، و از جمله‌ی شیوه‌های آنان تکرار است به قصد تأکید و فهم‌اند کلام، همان‌طور که خلاصه‌گویی و ایجاز از شیوه‌های آنان است.

3. نقد موردي شباهت

الف. تکرار «اذ» و «اذني»

یکی از آیاتی که حرج سیل به آن اشکال وارد کرده است آیه *إِذْ عَلَمْتُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحُكْمَةَ وَ التُّورَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهْيَةَ الطَّيْرِ يَأْذُنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا يَأْذُنِي وَ تُبَرِّئُ الْأَنْجَةَ وَ الْأَبْرَصَ يَأْذُنِي وَ إِذْ تُخْرُجُ الْمُؤْتَمِنَ يَأْذُنِي وَ إِذْ كَفَتُ بِنِي إِسْرَائِيلُ عَنْكَ إِذْ جِنْتُهُمْ بِالْبَيْنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ * است. وی به تکرار «اذ» و «اذني» در این آیه ایراد شده معلوم می‌شود «اذ» در ابتدای آیه که مفعول به برای «اذکر» است مورد نظر وی نیست و از «اذ ابیتك» تا آخر آیه را بیان می‌کند.

در جواب این شباهه عمر بن ابراهیم رضوان می‌نویسد: «از آنجایی که خداوند متعال این نعمت‌ها را بر بندۀ و پیامبر خود عیسیٰ علیه السلام در زمان‌های مختلف ارزانی داشته است، از این‌رو تکرار «اذ حینیه» مناسب است تا با کذشت زمان، موجب فراموشی و سهل‌انگاری نشود. پس تکرار اشاره به استمرار و مدام بودن این نعمت‌های الهی است و موجب شکر منع است».(عمر بن ابراهیم رضوان، 1413: 2/681)

بنابراین نظر تکرار «اذ» به دلیل فاصله زمانی است که میان اعطای این نعمت‌ها وجود دارد. بر این اساس در همین آیه شاهد آنیم که بین نعمت‌هایی که بیکباره و بدون فاصله زمانی به آن حضرت عطاشد، این واژه تکرار نمی‌شود. مثلاً زمانی که می‌فرماید *إذ تَخْلُقُ مِنَ الطَّينِ كَهْيَةً الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طِيرًا بِإِذْنِي وَ ثُبُرًا الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِي * کلمه «اذ» را بین این جملات تکرار نکرده که نشان می‌دهد که خلقت پرنده و شفا دادن کور مادرزاد و جدامی همه به دنبال هم و بدون فاصله زمانی بوده است. همچنین در فراز *إذ عَلَمْتُكَ الْكِتَابَ وَ الْحُكْمَةَ وَ الْقُوَّةَ وَ الْإِجْيلَ * واژه «اذ» بین این چهار مورد تکرار نشده که نشان می‌دهد که تمامی این علوم بعیکباره و بدون تدریج به آن جناب الفاشه است. (طباطبایی، 1374: 6 / 318)

اما تکرار واژه «اذنی» به منظور تأکید بر این مطلب است که آفریدن، زنده کردن مردگان و شفا دادن مریضان تنها از آن خداوند است و نه دیگران و در واقع بر «توحید افعالی خداوند» تأکید دارد. خداوند با چهار بار تکرار این واژه می‌خواهد جایی برای غلو ادعای الوهیت در مورد حضرت مسیح باقی نماند. یعنی آنچه ایشان انجام داد، اگرچه بسیار عجیب و شگفت‌انگیز بود و به کارهای خدایی شباهت داشت ولی هیچ‌کدام از ناحیه‌های او نبود، بلکه همه از ناحیه خدا انجام می‌گرفت و حضرت عیسی که بنده مطیع و فرمان بر الهی بود به اذن و فرمان خدا و با کمک نیروی لایزال الهی به این قدرت رسیده بود. (مکارم شیرازی، 1374: 134)

ب. تکرار «اتقوا» و «عملوا الصالحات»
مورد دیگر آیه *لَيْسَ عَلَى الدِّينِ آمُنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا إِذَا مَا أَتَوْا وَ آمُنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ أَتَقْوَا وَ آمُنُوا ثُمَّ أَتَقْوَا وَ أَحْسَنُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ * است که «اتقوا» سه مرتبه و «عملوا الصالحات» دو مرتبه در آن تکرار شده است. و به گفته جرج سیل این تکرار بدون ضرورت و فایده است.

در جواب باید گفت علمای علم بلاغت و بیان می‌گویند تکرار «العمل الصالح» برای اظهار و نشان دادن اهمیت آن است. از این‌جهت، در آیه تقریر و امضا کرده که بر مؤمنان گناهی نیست آنچه از مباح و حلال خورده‌اند، وقتی از خوردن حرام پر هیزکرده باشند و ثابت بر ایمان و عمل صالح باشند. آیه اشاره به این است که عمل صالح از مستلزمات ایمان مطلوب است و سفارش شده که بر آن محافظت ورزید؛ زیرا اساس عمل پذیرفته شده نزد پروردگار است. (عمر ابن ابراهیم رضوان، 1413: 683/2)

تفسران درباره تکرار لفظ «اتقوا» چند احتمال داده‌اند:

1- مقصود از تقوای اول، خودداری از شرب خمر، بعد از حرمت و منظور از تقوای دوم، استوار و ثابت قدم بودن بر ترک شراب و منظور از تقوای سوم، ترک همه معصیت‌ها و انجام کارهای نیکوست. (طبرسی، 1372: 3 / 372)

2 - مراد از تقوای اول خودداری از گناهان فکری است که ضرر آن به خود مکلف می‌رسد و به دیگران سرایت نمی‌کند. مراد از تقوای دوم خودداری از گناهانی است که سمعی‌اند. مراد از تقوای سوم، پرهیز از ظلم به مردم است. (طبرسی، 1372: 3 / 372)

3- ابوعلی جبایی گوید:

«(اتقوای اول) نسبت به زمان گشته و (اتقوای دوم) نسبت به دوام و استمرار بر ترک شراب و تقوای سوم نسبت به خودداری از ستم در حق مردم است». وی برای اثبات اینکه تقوای سوم به معنای خودداری از ستم است، به کلمه «(احسنوا) استدلال می‌کند و می‌گوید: «هرگاه «احسان» متعدد باشد، معصیت‌هایی که پیش از آن ذکر شده، نیز باید متعدد باشد. یعنی: خوبی به دیگران و بدی به دیگران». (همان)

اما مرحوم طبرسی این استدلال را ضعیف دانسته و بعد از نقل آن می‌نویسد:

«دلیلی نداریم که در اینجا منظور از «احسان» احسان به غیر است. ممکن است مقصود احسان به خود باشد؛ چنان‌که هرگاه کسی کار بسیار خوبی انجام دهد به او می‌گویند «احسنست». و انگهی اگر مقصود از «احسان» احسان به غیر باشد، چه مانعی دارد که فعل متعددی عطف بر فعل لازم شود؟! اگر صریحاً می‌فرمود: آن‌ها از همه زشتی‌ها - خواه نسبت به خود یا نسبت به دیگران - خودباری و درباره دیگران نیکی کرند، مانعی نداشت».(همان)

4- علامه طباطبایی بعد از ذکر چند قول از اقوالی که در این زمینه آمده می‌نویسد: «زنه لفظی از خود آیه و نه قرینه‌ای از خارج هست که بتوان به خاطر آن آیه را بر یکی از این اقوال حمل کرد». ایشان خود در توضیح علت این تکرار می‌نویسد: «اما این‌که سه بار «تفقا» را تکرار کرد و مراحل سه‌گانه ایمان و عمل صالح و احسان را به آن تقيید نمود، برای این بود که تأکید کند در اشاره به لزوم مقارنت با تقوایی واقعی و این‌که نباید در این مراحل سه‌گانه هیچ‌گونه غرض غیردینی در کار باشد؛ چراکه تفوا یک مقام خاص دینی و معنوی نیست؛ بلکه حالتی است روحی که شامل تمامی مقامات معنوی می‌شود، به این معنا که برای هر درجه و مقامی از مقامات معنوی، تقوایی است مخصوص به خود آن مقام». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۰/۶)

ج. تکرار واژه «هم»

اشکال دیگر حرج سیل تکرار واژه «هم» در آیه *يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْخَيْوَةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْأَخْرَةِ هُمْ غَافِلُونَ است. در جواب می‌گوییم مفسران علت تکرار آن را نشان دادن مبالغه در تأکید بر غفلت ایشان از آخرت می‌دانند.(زمخشی، ۱۴۰۷: ۳/ ۴۶۸) برخی هم معتقدند که با تکرار ضمیر «هم» به این حقیقت اشاره می‌کند که علت این غفلت و بی‌خبری، خود آن‌ها هستند؛(خر رازی، ۱۴۲۰: ۸۱/۲۵) درست مثل اینکه کسی به ما بگوید: مرا از این امر تو غافل کردي. و ما در جواب بگوییم: تو خودت غافل شدی. یعنی سبب غفلت خودت بودی.

د. تکرار واژه «اهلها»

و اما در مورد واژه «اهلها» در آیه *فَإِنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ فَرِيْدَةِ اسْتَطَعُمَا أَهْلَهَا فَأَبْوَأُواْنَ يَضِيفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جَدَارًا يَرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَمَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَخَدَنْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا؛ فخر رازی در جواب این مسئله می‌نویسد: «گاهی تکرار برای تأکید است. مانند قول شاعر:

لَيْتَ الْغَرَابَ غَدَةَ يَنْعَبُ دَانِمَا

«ای کاش کلاعی که قرار است فردا صبح خبر جدایی و فراق را فریاد زند، سرش بریده می‌شد». (همان: ۴۸۸/۲۱)

ابو حیان درباره تکرار لفظ «اهل» در این آیه می‌نویسد:

«تکرار لفظ اهل در این آیه از باب تأکید است که گاهی به جای تأکید فایده‌ای دیگر نیز دارد و آن اینکه حضر و موسی(علیهم السلام) هنگامی که وارد روستا شدند، در آن واحد نزد همه نرفتند، بلکه فقط نزد برخی از ایشان رفتند؛ از این‌رو مقصود از استطعما درخواست غذا از برخی از اهالی روستاست، لیکن برای اینکه معلوم شود آن دو از همه اهالی روستا درخواست غذا کرند، لفظ «اهلها» را نیز آورده تا همه آنان را در برگیرد. بدین معنا که ایشان نزد تک تک افراد آن قریه رفته و درخواست غذا کرند، اما هیچ‌یک از آنان حاضر به پنیرایی از آن دو نشند. از این‌رو اگر ترکیب آیه به جای «استطعما اهلها»، «استطعما هم» بود، ضمیر «هم» فقط به نخستین افرادی بر می‌گشت که از آنان درخواست

غذا شده بود، نه همه اهالی روسنا و چنین ترکیبی خلاف مقصود خداوند است». (ابو حیان،

(1420: 7)

و. تکرار آیه «فَبِأَيِّ الْأَعْرَابِ كَذَبَانَ»

در مورد علت تکرار این آیه نظر محققان و مفسران فراوان است. مشهورترین آن‌ها نظر شیخ طوسی و طبرسی و شریف مرتضی است که می‌گویند: تقریر نعمت‌های عطاشده نیکوست، پس حسن تکرار به جهت اختلاف نعمتی است که تقریر می‌کند. البته در مورد این نظر نیز نظرات متعددی بیان شده است، چراکه هفت آیه از این آیات در مورد عذاب و جهنم است و رابطه عذاب با واژه آلاء(نعمت) بحث‌هایی را برانگیخته است. برخی گفته‌اند که از آن‌جهت که ذکر عذاب و یادآوری جهنم باعث می‌شود که انسان به خود بباید و متوجه اعمال خود باشد، ذکر عذاب هم مصدق نعمت است. علامه طباطبایی نظر جالبتری در این مورد دارد، ایشان نفس آن عذاب‌ها را به عنوان قانون حکیمانه، نعمت می‌داند نه یاد کردن‌شان را در قرآن؛ چرا که برخورد با بدکاران بر طبق آنچه شقاوت و اعمال زشتستان اقتضا می‌کند، از لوازم مصلحت نظام حاکم و جاری بر تمام جهان است. (طباطبایی، 1374: 165/19)

برخی نیز با معنای متفاوتی که از «آلاء» ارائه داده‌اند، نظر دیگری را مطرح می‌سازند. از نظر اینان هرچند اجماع وجود دارد که معنای «آلاء» نعمت‌هاست، اما شواهدی از قرآن و اشعار عرب وجود دارد که این معنا را نمی‌پذیرد و معنای «آلاء» به‌حسب ظاهر: «کارهای شکفت» است که در زبان فارسی به آن «کرشمه» می‌گویند. این گروه برای دیدگاه خود که آلاء به معنای کارهای شکفت است، به ابیاتی از اشعار عرب و آیات کریمه قرآن استشهاد می‌کند از جمله آن‌ها آیه 55 سوره نجم است که می‌فرماید: *فَبِأَيِّ الْأَعْرَابِ رَبُّكَ تَئَمَّنَِي* (فراء‌ی، 2002: 125) طبق این دیدگاه نیازی به توجیه آیات مربوط به قهر و قدرت الهی نیست و آن‌ها نیز به طور مستقیم مصدق آلاء قرار می‌گیرند.

در نهایت می‌توان گفت خداوند در سوره‌ی الرحمن، انسان و جن را خطاب می‌کند و آنان را به تأمل در نعمت‌های بی‌کران الهی فرامی‌خواند. قرآن کریم در این روش با بیان‌های گوناگون و ذکر نمونه‌های بسیار و چندباره گفتن، پیامش را در دل‌ها می‌نشاند و با هر بار بازگو کردن، جان‌ها را تکانی دوباره می‌دهد. (خرفانی، 1392: 283) بر این اساس این تکرارها نمایانگر ظرافت و زیبایی بیان قرآن است.

نتیجه‌گیری

پدیده «استشراف» پدیده‌ای است که بهموجب آن عده‌ای از غیرمسلمانان به شناسایی اسلام می‌پردازند. آنان بالنگیزه‌های متعدد (حقیقت‌یابی، ضربه به اسلام، استکبار و...) و با رویکردهای متنوع (منصفانه، کینه‌توزانه، ستیزه‌جویانه و...) به این مسئله روی اورده‌اند. قرآن یکی از هدف‌های آنان است و توجه ویژه‌ای به بحث اعجاز و وحیانی بودن آن دارند. در حالی که اعجاز قرآن و به ویژه اعجاز ادبی و بلاغی آن، مورد توافق همه‌ی دانشمندان مسلمان بوده و دلائل و شواهد فراوانی در کتب مسلمانان پیرامون آن یافت می‌شود، عده‌ای از مستشرقان به مخالفت با آن پرداخته و با بیان شباهتی، قصد خدشدار نمودن آن را دارند پس باید گفت که وجود اعجاز قرآن مورد اختلاف قدماست؛ اما وجه اعجاز بیانی قرآن را همگان قبول دارند. اختلاف در این زمینه بر سر و جویی مانند: اخبار از غیب، اعجاز علمی، جامعیت، احتجاجات قرآن و بقیه مواردی است که برای وجود اعجاز قرآن بر شمرده‌اند. تکرار، النفات و اعتراض از پدیده‌های رایج در زبان و ادبیات عرب بوده و با رعایت شرایطی، از نشانه‌های بلاعث به حساب می‌آمدند. وجود این پدیده‌ها

در قرآن از روی حکمت است. بهطور مثال تکرارها بی‌فایده نبوده بلکه هر آیه‌ای که تکرار می‌شود دارای پیام مستقلی است که با آیه مشابهش فرق دارد، هرچند که الفاظ آن‌ها شبیه هم هستند.

المصادر والمراجع (References)

- قرآن کریم(همراه با ترجمه آزاد از حسین انصاریان)
1. ابن حجه، تقی الدین بن علی، خزانه الادب و غایه الأرب، محقق: کوکب دیاب، ج 2، چاپ دوم، بیروت: دار صادر، بی‌تا.
2. ابو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، جلد‌های متعدد، چاپ اول، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
3. آذر نوش، آذر ناش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، چاپ هفتم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵ش.
4. بندر ریگی، محمد، المنجد(عربی-فارسی)، چاپ اول، تهران: انتشارات ایران، ۱۳۷۴ش.
5. خرقانی، حسن، زیبائشناسی قرآن از نگاه بدیع، چاپ اول، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۲ش.
6. راغب اصفهانی، حسین بن فضل، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، جلد‌های متعدد، دمشق: دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
7. رضوان، عمر ابن ابراهیم، آراء المستشرقین حول القرآن الكريم و تفسيره، ج ۱ و ۲، چاپ اول، ریاض: دار الطیبه، ۱۴۱۳ق.
8. زمانی، محمد حسن، «مفهوم شناسی، تاریخچه و دوره‌های استشراق»، مجله قرآن و مستشرقان، شماره اول، ۱۳۸۵ش.
9. زمانی، محمد حسن، شرق‌شناسی و اسلام شناسی غریبان، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش.
10. زمخشri، محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، جلد‌های متعدد، بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ق.
11. ساسی سالم، نقد الخطاب الاستشرافي، جلد ۱، چاپ اول، بیروت: دار المدار الاسلامي، ۲۰۰۱م.
12. سیل، جرج، اسرار عن القرآن، تعریف: هاشم العربی، انتشارات نور الحیا، بی‌تا، بی‌جا، نسخه اینترنتی.
13. طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد های متعدد، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
14. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
15. طبرسی، ابو علی الفضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد‌های متعدد، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
16. فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر(مفاتیح الغیب)، جلد‌های متعدد، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربي، ۱۴۲۰ق.
17. فراهی، عبد الحمید، مفردات القرآن(نظرات جدیدة فی تفسیر الفاظ قرآنیة)، تحقیق: محمد اجمل ایوب الاصلاحدی، چاپ اول، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۲م.
18. مصباح یزدی، محمد تقی، راه و راهنمای شناسی، چاپ هفتم، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹ش.

19. معرفت، محمد هادی، *تلخیص التمهید*، جلد 2، چاپ اول، قم، موسسه التمهید، 1387ش.
20. مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران، *تفسیر نمونه*، جلد های متعدد، تهران: دار الكتب اسلامیه، 1374ش.
21. هاشمی، احمد، *جواهر البلاغه*، چاپ دوم، قم: انتشارات مرکز مدیریت قم، 1383ش.

Annottasiya

Dr. Məhəmməd Soltaniyə

Corc Seylin Quranda təkrarlar ilə əlaqədar skeptisizminin tənqid təhlili

Qurandakı ifadəlilik onun möcüzəsinin mühüm istiqaməti olaraq məqbul hesab edilmiş və son dövrlərdə şərqsünasların bu sahədə geniş araşdırılmalarına səbəb olmuşdur. Bəziləri insaflı davranışaraq ifadə möcüzəsini tərifləmiş, bəziləri isə bu kitabın vəhiyin məhsulu və hətta nazil olmasını şübhə altına almaq üçün irad və şübhələr çıxarmaqla inkar etməyə (ləkələməyə) çalışmışlar.

Bu araşdırımada Qurandakı təkrar problemi ilə bağlı Corc Seylin (1697-1736) şübhələri əsas götürülmüş, araşdırılmış və tənqid edilmişdir. Corc Seylin Qurandakı təkrarlarla bağlı şübhələrinin dəqiq cavabını Quranın ifadəli möcüzəsi ilə bağlı şübhələr kimi anlamaq məqsədi ilə tərtib edilən bu araştırma təsviri-analitik şəkildə aparılıb və kitabxana (fiskal) metodundan istifadə edilməklə məlumatların toplanması üsulu ilə həyata keçirilib. Bunun üçün əvvəlcə şübhələr toplanılıb, daha sonra Corc Seylin bu barədə fikir və şərhəri qeyd edilib və yekunda həmin iradlar təhlil olunaraq cavablandırılıb. Tədqiqat nəticəsində şübhə və iradların yaranma səbəbi olaraq - irad bildirənlərin əksəriyyətinin Quranın şifahi (xitabi) və yazılı olmayan (kitabi) quruluşu ilə tanış olmaması göstərilmişdir. Quranın nitq (ifadə) quruluşu, iyirmi üç il ərzində tədricən enməsi dinləyicilərin vəziyyət və şəraitinə təsir etsə də, onun fəsahət və bəlağətini qüsursuz saxlamışdır.

Açar sözlər: orientasiya, möcüzə, ritorika, şübhə, Corc Seyl

Annotation

Dr. Mohammad Soltanieh

Critical Analysis of George Sale's Suspicion of Repetition in the Qur'an

The expressive miracle of the Qur'an is one of the aspects that has been accepted as an important aspect of the miracle of the Qur'an and in recent times, orientalists have had extensive studies in this field. Some have praised the language with respect to its fairness, and others have tried to tarnish it by asking questions in order to question the revelation of this book.

In this research, by focusing on George Sale's problems with the suspicion of repetition in the Qur'an, his suspicions have been studied and criticized. This study has been compiled with the aim of understanding the exact answer to George Sale's doubts about repetition in the Qur'an as doubts about the expressive miracle of the Qur'an. Was done descriptively-analytically and information was collected using library fish sampling method. For this purpose, first the suspicions of the collection

and the opinions of George Sale about it are mentioned and in a summary, the answer is given. It seems that the unfamiliarity of the perpetrators with the structure of the Qur'an, which is a spoken and not written structure, has been the source of many of these doubts. However, many of these problems, due to the speech structure of the Qur'an and its gradual decline over twenty-two years, are in line with the audience and represent the peak of the rhetoric and eloquence of the Qur'an.

Key words: Orientation, Miracle, Rhetoric, Doubt, George Sale

Аннотация

Др. Мухаммад Солтание

Критическое рассмотрение скептицизма Джорджа Сэйла в связи с повторениями в Коране

Выражения в Коране являются основными направлениями его чудесного ниспослания и обширно исследованы современными востоковедами этой области. Некоторые изыскатели проявляя умеренность восхваляют чудо выражения слов, в то время как другие пытаются отрицать (или запятнать) это мнение, излагая замечания и сомнения в связи с его ниспосланием.

В данной статье исследуются и критикуются сомнения Джорджа Сэйла (1697-1736) в связи с проблемой повторений в Коране. Статья разработана на основе описательно-аналитического метода и использования достоверной (фискальной) литературы с целью предоставления точного ответа на сомнения Джорджа Сэйла в связи повторениями в Коране.

Для решения данной цели собраны сомнения, а далее отмечены отзывы и рассуждения Джорджа Сэйла, проанализирование которых дает возможность предоставлять выводы. Очевидно, причиной многих из этих сомнений и критических замечаний является - неосведомленность большинства комментаторов с устной (обращение) и неписьменной (книга) структурой Корана. Структура коранической речи и ее постепенное ниспослание в течение двадцати трех лет повлияло на состояние и обстоятельства его слушателей, но пик красноречия Корана остался неизменным.

Ключевые слова: ориентация, чудо, риторика, сомнение, Джордж Сэйл.